

فرانسه امروز و تجسم تبعیض جنسی حاکم بر محیط هستند» [15:16]. این حکم در مورد تمام کتاب‌های بررسی شده در تمام رشته‌ها و در همه سطوح آموزشی صادق است.

تحلیل تصویرها و موضوعات کتاب‌های درسی دوره دبستان نشان می‌دهد که کودکان هیچ امکانی برای گریز از کلیشه‌های تبعیض جنسی ندارند. در تصویرهای زنانه و مردانه کتاب‌های درسی «پسران [...] از امکانات نامحدود آینده شغلی و نیز انبوه گزینش‌ها برخوردارند. دختران فقط می‌توانند خود را برای «مادر شدن» آماده کنند. و بدین ترتیب است که هر دو گروه با توجه به تفاوت در رده‌بندی‌های تبعیض آمیز محصور می‌شوند و مجبورند که خود را با تصویری که به آنان ارائه و تلقین شده است با انتظاراتی که از آنان می‌رود، منطبق سازند. پسران و دختران بدین ترتیب اگر هم برای تمام پیشداوری‌ها و تمام تبعیض‌ها آماده نشوند، نسبت کم‌پذیری رواج نابرابری جنسی برای تداوم هرچه بیشتر نابرابری به نفع کلی خواهند بود» [15:15].

بررسی کتاب‌های درسی علمی تبعیض جنسی را نه فقط در تعداد بسیار بیشتر تصویرهای زنانه از مردانه بلکه در گرایش بسیار آشکار پسران به تصویربردن دختران از این رشته نشان می‌دهد. بدین ترتیب هیچ جای تعجب نیست که بینیم دختران بسیار کم‌تر از پسران جذب کارهای علمی می‌شوند.

به عنوان مثال در کتاب‌های فیزیک در اغلب موارد دنیای زندگی پسران (قطار برقی، بازی، دوچرخه) یا مردان (کارخانه، صنعت، نجوم و مانند آن‌ها) بسیار بیشتر از دختران و زنان مطرح شده است. زنان به ندرت ترسیم شده و یا بدون شغل و حرفه مطرح شده‌اند، اما مردان چنان تصویر

شده‌اند که گویی می‌توانند هرکاری را انجام دهند: هواشناس، آهنگر، بنا، کفاش، مساح، دونده و... غیبت آشکار دختران در چنین کارهایی فقط به این فرضیه میدان می‌دهد که عرصه فیزیک در حیطه توانایی آنان نیست، دختران نالایقند (گویا آنان قادر نیستند هیچ آزمایشی را انجام دهند)، آنان فقط می‌توانند زیر دست پسرها و حداکثر نیمه فعال باشند (حرف پسرها را گوش کنند!): همه این امور بخشی از تبعیض آمیزترین کلیشه‌ها هستند که «زنان را موجوداتی منفعل، تابع و آماده خدمتگزاری به دیگران بار می‌آورند» [15:18].

در علوم طبیعی، به ویژه در زیست‌شناسی، محتوای کتاب‌های درسی نشان‌دهنده نوعی «انسان زدایی ماشینی» است [15:19]. این نوع خوار شمردن انسان و بزرگ شمردن ماشین‌ها با ترسیم تبعیض آمیز مردان و زنان همراه است: مردان، فاتح و قوی و تنومند هستند اما زنان پیش و پیش از هرچیز فقط به صورت مادر ترسیم شده‌اند [15:22].

در کتاب‌های ریاضی به همراه بالا رفتن سطح درس‌ها، از تعداد تصویر اشخاص کاسته می‌شود، اما در هر حال در این کتاب‌ها نیز مردان بیشتر از زنان و دختران ترسیم شده‌اند و این تصور به ذهن کودکان هر دو جنس القا می‌شود که گویا ریاضیات، در اساس، عرصه‌ای مردانه است [15:22].

در کتاب‌های دوره متوسطه، تبعیض جنسی همه‌جا حضور دارد. به عنوان مثال در زبان فرانسه، واژه مذکر «homme» هم به معنای «مرد» است و هم به معنای مجموعه انسان‌ها. حرفه‌ها و مشاغل نیز به مردان اختصاص دارند، در حالی که زنان در نقش مادرانی جلوه‌گر می‌شوند که در خانه به انتظار شوهر و فرزندان خود نشسته‌اند [15:58].

در کتاب‌های ادبیات از نویسندگان زن چندان خبری نیست، تو گویی آنان اصلاً وجود خارجی ندارند: «در متن‌های ادبیات چینی، کار، ورزش، محافل دوستانه، شجاعت و قهرمانی‌گری منحصرأ به مردان تعلق دارند.» [15:26].

در کتاب‌های تاریخ، زنان که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، محو شده‌اند! در کتاب‌های جغرافیا به کار مردان اشاره شده است، اما زنان فقط در نقش همسر، مادر یا کدبانو ظاهر می‌شوند [15:26].

در کتاب‌های علوم در دوره متوسطه «مثال‌ها و مسئله‌ها و تصویرها، تبعیض آمیزند» [15:26]. پسران مسائل را حل می‌کنند و در انجام کارها، مهارت دارند، اما دختران، دست و پا چلفتی هستند. مردان، فعالند و زنان، منفعل.

با وجود تنوع بسیاری که بین کتاب‌های درسی مدارس عمومی و مدارس حرفه‌ای وجود دارد، کلیشه‌های تبعیض جنسی در آن‌ها به روشنی نمایان است.

نویسندگان تحقیق‌بخش فرانسوی فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌ای آموزش، چنین نتیجه می‌گیرند که «کهنه‌ترین و مضحک‌ترین کلیشه‌های تبعیض جنسی، کودکان و دانش‌آموزان را از نوباوگی تا آخر دبیرستان دنبال می‌کنند و آنان را در صحنه‌ای جای می‌دهند که در آن، مردان همه جا حاضرند، نقش‌های مهم بر عهده دارند، تاریخ را می‌نویسند و دنیا را به پیش می‌برند، در حالی که زنان، خوار و مطیع گشته و اسیر کارهای خانه‌داری یا وظایف مادرانه شده‌اند.» [15:38]. در نتیجه: «در اکثریت عظیم کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی، از زنان دیگر هیچ نشانی

نیست: از زنانی که منفعل نیستند، فرزندانشان را خودشان بزرگ می‌کنند و در بیرون از خانه هم به کار مشغول هستند، زنانی که از ازدواج رو برتافته‌اند و می‌خواهند بیرون از ازدواج به شخصیت مستقل خود تحقق بخشند، زنانی که مسئولیت‌های حرفه‌ای دارند، زنانی که در جامعه ایفا می‌کنند، در شورای محل، در انجمن اولیا، در منبرگاه، در حزب سیاسی به فعالیت می‌پردازند. از زنان پیشاهنگ، زنان طبیبان یا زنان ورزشکار و رکوردشکن نیز هیچ خبری نیست، [15:39].

در تحقیقی که درباره کشور پرو انجام گرفته، فهرست تصویرها و مطالب تبعیض آمیز در بیست و نه کتاب بسیار رایج در بخش کلاس آموزش ابتدایی در شهر لیما آمده است. این تحقیق نشان می‌دهد که در متن‌ها و تصاویر کتاب‌های درسی در تمام سطوح آموزش ابتدایی، غلبه و تقدم با مردان و پسران است. به عنوان مثال در متن‌ها، پستاد و هشت درصد از ارجاعات، به مردان و پسران است و بیست و دو درصد به زنان و دختران، و در تصویرها نیز این نسبت، هفتاد و پنج به بیست و پنج درصد است. به علاوه، غلبه ارجاعات مردانه یا به پای بالاترین کلاس‌ها در دوره ابتدایی افزایش می‌یابد: در تصویرهای کتاب‌های کلاس اول، نسبت مردان و پسران شصت و پنج درصد است و در کلاس ششم به هشتاد و دو درصد می‌رسد [21:18].

ویژگی‌های مرد و جنس نیز کلیشه‌ای است: مردان به طور عمده شجاع، با هوش، میهن پرست، برخوردار از روحیه همگامی و شرف دیده شده‌اند و زنان، مطیع و از خود گذشته جلوه می‌کنند. زنان در داخل خانه زنان در حال شست و شو، آه‌گیری، و درجه‌بندی به هم‌ها تصویر شده‌اند، در حالی که مردان سرگرم استراحتند و در انجام تکالیف

بچه‌ها به آنان یاری می‌رسانند. خانه به صورت جایگاه ممتاز زنان توصیف شده است: در یک‌صد متن مربوط به توصیف خانه، هفتاد متن زنان را نشان می‌دهد و سی متن، مردان را [21:38]. در مقابل، در تصویرهای مربوط به مدرسه، هشتاد درصد اشخاص، مذکر و فقط بیست درصد از آنان مؤنث هستند [21:40].

در کتاب‌های دبستانی در پرو، دنیای کار اساساً از آن مردان است: از صد و چهار شغل شمارش شده، هشت شغل مختص زنان است، هفتاد و نه شغل خاص مردان و فقط هفده شغل، مختلط است [21:43]. شغل‌هایی که به تحصیلات عالی نیاز دارند تقریباً فقط مختص مردان هستند. شغل‌های معروف به زنانه، در واقع ادامه نقش خانگی زنان در بیرون از منزل هستند (رخت‌شویی، دوزندگی، آشپزی و مانند آن‌ها). این کتاب‌ها از واقعیت به دورند، زیرا که در آن‌ها نه به زنان بازرگان اشاره شده است و نه به زنانی که حرفه‌ای هنری دارند. عرصه هنر چنان ترسیم شده که گویی مختص مردان است [21:44-46].

بازی‌ها نیز بیشتر مردانه‌اند تا زنانه: در تصویرها و متن‌ها، سی و یک تصویر، و بیست و هفت متن به پسرها اختصاص داده شده است، اما فقط هفت تصویر و شش متن به دخترها مربوط می‌شود. فعالیت‌های پسرها پرتنوع‌تر است و به ماجراجویی و سرعت و خطرپذیری نیاز دارد؛ وسیله‌های بازی پسرها (دوچرخه، اسکیت، توپ) تحرک‌انگیزند. در مقابل، فعالیت‌های دخترها، بی‌تحرک و منفعل جلوه می‌کنند (گوش دادن به رادیو، دید و بازدید و مانند آن‌ها). دخترها به خصوص با عروسک یا سرویس‌های آشپزی کوچک که یادآور وظایف خانگی زنان است، بازی می‌کنند [63-64, 21:54]. در این جا نیز دنیای خلاقیت و

ماجراجویی و ابتکار خاص پسرهاست و دخترها از آن محرومند. در کتاب‌های درسی در پرو از نقش زنان در تاریخ تقریباً هیچ نشانی نیست، زیرا که در متن‌ها، نود و یک درصد ارجاعات، و در تصویرها، هشتاد و نه درصد ارجاعات به مردان و پسران اختصاص دارند [21:65]. تحقیقی که در زامبیا صورت گرفته، کتاب‌های درسی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها (برای شاگردان هفت تا پانزده ساله) را بررسی کرده است. آشکارترین نتیجه کلی این تحقیق آن بوده است که «در مجموع آثار بررسی شده، نقش مردان بسیار برتر از زنان است» [20:3]. این چیرگی در نمایش فزون‌تر عددی مردان نسبت به زنان، در ویژگی‌های شخصیتی و در حرفه‌ها و نقش‌هایی که برای هر دو دسته در نظر گرفته شده‌اند، نمایان می‌گردد.

نویسنده این تحقیق، ل. پ. تمبو درباره ویژگی‌های شخصیتی نابرابر مردان و زنان می‌نویسد که «در مورد توانایی‌های فکری، مردان چنان توصیف شده‌اند که گویی باهوش‌تر، خلاق‌تر، کنجکاوتر، متکبرتر و جسورتر از زنان هستند. در عرصه ورزش نیز زنان به ستایش منفعلانه چابکی مردان در بازی فوتبال یا سایر ورزش‌ها می‌پردازند» [20:30]. مشاغل و نقش‌های افراد مذکر و مؤنث در کتاب‌های درسی زامبیا، آشکارا متفاوتند: «مردان از قدرت و اعتبار برخوردارند: آنان مدیر مدرسه، پزشک، مهندس، رئیس اداره هستند و زنانی را تحت فرمان خود دارند که همگی معلم ساده، کدبانو، کلفت، پرستار، منشی یا خانه‌دارند. کارهای دشوار مانند رانندگی مترو، اتوبوس یا کامیون، خلبانی، مکانیکی را فقط اشخاص شجاع و باهوش - یعنی مردان - می‌توانند انجام دهند. زنان در معرض تجاوز و بهره‌کشی و اذیت و آزار

مردان قرار دارند. مردان به تصمیم‌گیری می‌پردازند و قانون تعیین می‌کنند. زنان فرمانبری و دنباله‌روی می‌کنند.» [20:30].

در کتاب راهنمای ابونصر [1] فهرستی از کلیشه‌های تبعیض آمیز مردانه و زنانه در هفتاد و نه کتاب درسی به زبان عربی که در سال ۱۹۸۲ در مدرسه‌های هفت کشور عربی رایج بوده، آمده است. این هفت کشور عبارتند از: لبنان، تونس، مصر، عربستان سعودی، جمهوری دموکراتیک خلق یمن، قطر، کویت. در کتاب‌های درسی به زبان عربی، در تمام کشورها (اعم از مرتجع یا مترقی، پیشرفته یا عقب مانده) زنان به شیوه‌ای واحد و تبعیض آمیز توصیف شده‌اند. در حالی که زنان عرب امروزه متنوع‌ترین و پیچیده‌ترین کارها را انجام می‌دهند، تصویری که از آنان در کتاب‌های درسی به نمایش گذاشته می‌شود، بر منبای سیمای سستی زنی که رفاه اقتصادی و پایگاه اجتماعی به مرد وابستگی دارد، شکل گرفته است. در متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های درسی عربی، زنان به صورت اسیران محبوس در خانه توصیف شده‌اند و یگانه کارهایی هم که در بیرون از خانه انجام می‌دهند دنباله و ظایف خانگیشان است [1:12].

توصیف شخصیت آنان نیز کاملاً کلیشه‌ای و تبعیض آمیز است: «زنان و دختر بچه‌ها در کتاب‌های درسی عربی، ضعیف، حساس، مطیع، وابسته، فداکار، بی‌هیچ هویت شخصی توصیف شده‌اند. آنان همانند رنجبران محترم و محبوبی ترسیم شده‌اند که از رهگذر اجرای دقیق نقش‌های از پیش تعیین شده و با انجام کارهای مادر تمام وقت، کدبانو، همسر و وظیفه‌شناس و دختر مطیع و محترم، وظیفه خود را به بهترین وجه انجام می‌دهند و به اوج پایگاه اجتماعی خاص خود می‌رسند.» [1:12].

این‌گونه تصویرهای تبعیض آمیز در کتاب‌های درسی عربی نادرستند

زیرا که تنوع نقش‌هایی را که برخی از زنان برعهده دارند، نادیده می‌گیرند. در واقع در کشورهای عربی، زنان بیش از پیش به تحصیلات عالی راه می‌یابند و در بازار کار، در مقام مدیر، هنرمند، کارگر مستقل، روزنامه‌نگار و نویسنده جایگاهی خاص خود دارند. برخی از زنان نیز در سازمان‌هایی که به فعالیت‌های داوطلبانه می‌پردازند، در ادارهٔ املاک خود، در کشاورزی و دیگر امور مسئولیت‌های سنگینی بر دوش دارند. [1:12].

نویسندگان تحقیق دربارهٔ اوکراین پی برده‌اند که در مجموع متن‌های کتاب‌های کلاس اول دبستان، تعداد شخصیت‌های مرد و زن، برابر است. در صد و بیست و هفت متن ادبی در این کتاب‌های درسی، سی عنوان مربوط به زنان است و سی و شش عنوان، مربوط به مردان. در کتاب‌های کلاس دوم دبستان، این ارقام عبارتند از: سی و یک برای زنان و سی و چهار برای مردان. در کتاب‌های کلاس سوم، از بین صد و پنجاه عنوان، سهم زنان بیست و هفت و سهم مردان، بیست و شش عنوان است. به علاوه در این کتاب‌های درسی، ویژگی‌های شخصیتی افراد مذکر و مؤنث به دقت مشخص شده‌اند [11:20].

در کتاب‌های درسی که به توصیف دختران و پسرانی می‌پردازند که می‌توانند از پس کارهای خودشان برآیند نیز کلیشه‌های تبعیض جنسی وجود دارند و کارهایی که پسران انجام می‌دهند معمولاً پیچیده‌تر و دشوارتر از کارهای دختران است [11:21]. در متن‌های ادبی کتاب‌های دبستانی، خصوصیات مثبتی که از زنان و دختران ارائه شده، تقریباً مساوی خصوصیات مردان و پسران است. با این همه خصوصیات مثبت دو جنس، یکسان نیستند: «مردان، زبردست، شجاع، مصمم، بی‌پروا،



سلحشور، صادق، مهربان، پویا، مبتکر، کاردان، سریع، باهوش، چابک، دقیق، متعادل و در عین حال، مهمان‌نواز، دلسوز، دوراندیش و خوش‌برخورد ترسیم شده‌اند. اما در بین زنان، خصوصیات مانند بخشندگی و ملایمت، غلبه دارد. زنان، مهربان، دوست‌داشتنی، مطمئن، سرشار از دلسوزی، صادق، صمیمی، راستگو، پر محبت، خوشرو، و در عین حال زحمت‌کش، با پشتکار، جدی، دقیق، شجاع، آرام و پرتوقع هستند.» [11:21].

بدین ترتیب می‌بینیم که در کتاب‌های درسی کلاس‌های اول و دوم و سوم در اوکراین، تعداد اشخاص مذکر و مؤنث تقریباً برابر است و خصوصیات مثبت زنان غالباً بیشتر از مردان است. با این همه کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی در کتاب‌های درسی اوکراین، به ویژه در کتاب‌های مخصوص کودکان ده تا چهارده ساله، دیده می‌شود: «۳۸/۳٪ از ارجاعاتی که به فعالیت‌ها یا استعدادهای حرفه‌ای شده است به زنان اختصاص دارد و ۶۱٪ به مردان. با مقایسه این دو رقم، وجود کلیشه برتری مردانه در عرصه شغل و حرفه، آشکار می‌شود.» [11:18].

علاوه بر این، تداوم نمایش خانواده‌های دهقانان و پیشه‌ورانی که در آن‌ها مردان به‌طور سنتی نقش حامی خانواده را ایفا می‌کنند و زنان بیشتر به وظایف خانگی می‌پردازند «نوعی کلیشه روان‌شناختی را ایجاد کرده که «وظایف زن» در زمینه خانه‌داری و به ویژه نسبت به بچه‌ها همچنان بسیار گسترده‌تر از وظایف مرد است.» [11:19]:

خلاصه آن که تحقیق درباره اوکراین، کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی را در کتاب‌های درسی به سه دسته تقسیم می‌کند [11:26]:

گروه اول (۶۸٪) به مبالغه درباره ویژگی‌های شخصیتی هر جنس

برمی‌گردد: براساس این کلیشه‌ها، مردان، کارآمد و شجاع و عاقل و با پشتکارند، اما زنان تابع عاطفه، ملایمت و دلسوزی هستند.

گروه دوم (۲۳٪) به برتر شمردن نقش‌های خانوادگی و حرفه‌ای که به‌طور سنتی به این یا آن جنس نسبت داده می‌شود، برمی‌گردد: زنان، کدبانو، پرستار، آموزگار و مانند آن‌ها هستند، اما مردان تکیه‌گاه اصلی خانواده هستند، حساب و کتاب مخارج خانواده دست آنان است و به کارهایی مانند نظامی‌گری، هیزم‌شکنی و جواهرسازی می‌پردازند.

گروه سوم (۶٪) تفاوت‌های مربوط به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را برجسته می‌سازد: زنان منفعل هستند، اما مردان، مسئولیت‌های مدیریتی را عهده‌دار می‌شوند.

حضور کلیشه‌های تبعیض جنسی در ۵۵/۷٪ از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان در اوکراین نشان می‌دهد که این نسبت بسیار فراتر از نسبت گرایش به خنثی‌سازی کلیشه‌های تبعیض جنسی (۴/۵٪) یا گرایش به کنار زدن آن‌ها (۳۹/۸٪) است [11:26].

گروه پژوهشی مربوط به کویت به بررسی کتاب‌های درسی در زمینه دین اسلام، زبان عربی، علوم عام، علوم انسانی، آموزش نظامی، روان‌شناسی، زبان انگلیسی، و نیز کتاب‌های کودکان پرداخته است. در این کتاب‌ها، زنان و دختران یا غایب هستند، یا حضوری ناچیز دارند و یا ترسیم آنان، همانند مردان و پسران، بسیار کلیشه‌ای و تبعیض‌آمیز است. بررسی یک کتاب عربی برای کودکان ۶ تا ۷ ساله نشان می‌دهد که به عنوان مثال از میان ۵۶ تصویر، ۷۶٪ به نمایش پسران اختصاص داده شده، ۱۰/۶٪ به نمایش دخترها و ۱۲/۵٪ به نمایش پسران و دخترها [25]. به علاوه نویسندگان این بررسی معتقدند که بین نقش‌های

مرادنه و زنانه تعادلی وجود ندارد: در ۷۵٪ از موارد، شخصیت‌های اصلی، پسر هستند و در ۲۵٪ از موارد، دختر. پسرها نقش‌های بسیار پویا یا سرگرم‌کننده دارند: همراه با پدرشان به ماهی‌گیری یا ساحل دریا می‌روند، فوتبال بازی می‌کنند، جنگ و دعوا به راه می‌اندازند و بر دشمنشان چیره می‌شوند، اما دخترها یا به کلی غایبند، یا مثلاً عروسک بازی می‌کنند [25].

به همین ترتیب در یک کتاب عربی برای کودکان ۱۱ تا ۱۳ ساله می‌بینیم که در ۸۲٪ از تصویرها فقط پسران نمایش داده شده‌اند و در ۱۸٪ از آن‌ها، دختران به تنهایی یا در کنار پسران حضور دارند [25]. ۸۴٪ از ۲۴ شخصیت اصلی، پسر یا مرد هستند و ۱۶٪ زن یا دختر [25]. با وجودی که کتاب از رفتار یک زن قهرمان و تاریخی که در زمان پیامبر اسلام در میدان جنگ خوش درخشید، ستایش می‌کند، به نقش زنان در آموزش و پرورش حتی اشاره‌ای هم نشده است.

### تبعیض جنسی در مدرسه چه تأثیراتی در کودکان دارد؟

حضور تبعیض جنسی در مدرسه نشانه‌دهنده آن است که مدرسه کاری جز بازتاب دادن پیشداوری‌های جامعه انجام نمی‌دهد و نهادی اجتماعی است که تبعیض جنسی نسبت به زنان و دختران را که حتی پیش از ورود کودکان به مدارس، در مغزشان فرورفته، تقویت می‌کند. ساروجینی بیزاریا [5] در کتاب راهنمایی که برای شناخت و طرد کلیشه‌های تبعیض جنسی تدوین کرده، نقش مدرسه را در تحکیم این کلیشه‌ها نشان می‌دهد و می‌افزاید که کلیشه‌های تبعیض جنسی که در جامعه وجود دارند، در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی بازتاب می‌یابند و بدین ترتیب، هم به ضرر

زنان و هم به ضرر مردان، تقویت می‌شوند. نویسنده برای نمونه از کلیشه جنسی رایج در مورد ضرورت منصرف کردن دختران از آموزش فنی و علمی یاد می‌کند و می‌افزاید که احساس فرودستی دختران در جامعه، غالباً حاصل تلقینات آموزگاران مرد و زن آنان است. مثلاً آموزگاران و مادران، با گفته‌هایی از این دست که «تو دختر هستی و این کارها به دخترها نیامده» دختران را از تحصیلات فنی و علمی، دلزده می‌کنند. به علاوه، این دختران تحت تأثیر کلفت‌های بی‌سوادی قرار دارند که تبعیض جنسی را تداوم می‌بخشند و افق فکری دختران نوجوان را بسیار تنگ می‌کنند. کتاب‌های درسی نیز زنان را فقط در نقش سستی زن خانه‌دار، و در بهترین حالت در شغل‌های کلیشه‌ای مانند پرستاری و مربی‌گری مهدکودک ترسیم می‌کنند. دختران با دنیای تکنولوژی کم‌تر آشنایی دارند و بیشتر آنان به عرصه‌های ادبی کشیده می‌شوند و بدین ترتیب این کلیشه تبعیض آمیز تداوم می‌یابد که آموزش فنی و علمی خاص پسران است.

کلیشه‌های تبعیض آمیزی که در مدارس رواج دارند و تأثیراتی زیانبار بر راهنمایی درسی دختران می‌گذارند، در فرانسه نیز یافت می‌شوند. در تحقیقی که «فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌ای آموزش» دربارهٔ فرانسه انجام داده، آمده است که غیبت تقریباً کامل دختران و زنان در کتاب‌های علوم تجربی باعث شده که به عنوان مثال دختران در سر درس فیزیک، برخلاف پسران، برای صحبت کردن دربارهٔ مسائل علمی بسیار تردید کنند [15:19].

تبعیض جنسی در مدرسه و در کتاب‌های درسی فقط در گرایش‌های آموزشی و حرفه‌ای دختران جوان تأثیر نمی‌گذارد، بلکه در برداشتی که

هرجنس از دیگری دارد نیز اثر می‌گذارد. در یکی از تحقیقاتی که درباره فرانسو صورت گرفته [16] آمده است که بچه‌های دبستانی، اعم از پسر یا دختر، جنس دیگر را به‌ویژه در عرصه حرفه‌ای خیلی زود براساس کلیشه‌های تبعیض آمیز جنسی درک می‌کنند. به همین سبب پسر بچه‌های ۸ تا ۱۱ ساله دبستانی در پاسخ‌های خود، گرایش‌های شغلی دختران را کم اهمیت دانسته و آن‌ها را به مشاغل زنانه سنتی که جز تداوم کارهای خانگی زنانه (پرستاری، بچه‌داری، دوزندگی و مانند آن‌ها) در بیرون از خانه نیستند، محدود کرده‌اند. اما دختران در پاسخ‌های خود نه فقط خواستار اجرای حرفه‌های سنتی شده‌اند، بلکه به یکی از مشاغلی که تازه در اختیارشان گذاشته شده نیز تمایل نشان داده‌اند (پزشکی، روزنامه‌نگاری، خلبانی و مانند آن‌ها). با این همه باید خاطر نشان کرد که همین دختران، تمایلات حرفه‌ای کلیشه‌ای را به پسران همسن خود نسبت می‌دهند: آنان پسرها را بلندپرواز و جویای کارهای معتبر و پردستمزد تصور می‌کنند، در حالی که خود پسرها غالباً چنین خواسته‌هایی ندارند. بدین ترتیب پسران و دختران در مدرسه کلیشه‌های تبعیض آمیز را بلکه ذهن خود می‌کنند [16:140-150].

در پرو که در آنجا کتاب‌های درسی تصویر زنان را جز در چارچوب خانه نشان نمی‌دهند و از اشاره به فعالیت‌های حرفه‌ای آنان در بیرون از خانه خودداری می‌ورزند، دانش آموزان پسر و دختر یاد می‌گیرند که این فعالیت‌ها «اعتبار و رواج کم‌تری دارند» [21:164].

تحقیقی که درباره اوکراین صورت گرفته نسبت به تأثیر شوم کلیشه نابرابری دو جنس، در متن‌ها و تصویرهای مربوط به بازی‌های کودکان و در کتاب‌های درسی هشدار می‌دهد. در واقع، این کلیشه نابرابری ممکن

است به کلیشه‌ نقش‌های اجتماعی درباره‌ کارها و فعالیت‌های حرفه‌ای و نیز، حقوق خاص و مجزای زنان و مردان بدل شود: «دنیای درونی کودک در بازی که سرچشمه‌ اندیشه‌ها و عادات اوست، شکل می‌گیرد. بنابراین بی‌نهایت اهمیت دارد که نویسندگان کتاب‌های کودکان درباره‌ تصویری که از بازی‌های آنان ارائه می‌دهند به بازنگری پردازند. در این میان به نظر ما، برخی از نویسندگان که با بیانی شیرین و گیرا به توصیف دختری «استثنایی» که به همراهی پسرها نقش فرمانده ناو را ایفا می‌کند، یا پسری «استثنایی» در حال کار با چرخ خیاطی، می‌پردازند، راه خطا می‌پیمایند.» [11:22].

در ایالات متحده آمریکا درباره‌ پیامدهای کلیشه‌های تبعیض آمیزی که جامعه و مدرسه در مغز شاگردان دختر و پسر فرو می‌کنند، بررسی‌های بسیار ژرفی صورت گرفته است.

یکی از بدیهی‌ترین این پیامدها را مارتا هورنر، رواج «ترس از موفقیت» در بین دختران نامیده است. پژوهش درباره‌ «ترس از موفقیت» در بین دختران دبستانی ۱۰ ساله را گریس باراش انجام داد. او مشخص کرد که این ترس ممکن است در دختر بچه‌ها دوبار بیشتر از پسر بچه‌ها مشاهده شود (۵۲٪ دختر بچه‌ها و ۲۵٪ پسر بچه‌ها گرفتار این ترس هستند) [26:199-....]. این ترس از موفقیت، معمولاً با حس «زنانه» بودن و با احتمال عدم پذیرش اجتماعی همراه است، چرا که موفقیت ممکن است همانند نوعی گسست از کلیشه‌های تبعیض آمیز سنتی درباره‌ جنس مؤنث جلوه کند. همین پژوهش نشان می‌دهد که در بین دختران «ترس از موفقیت» به همراه سن آنان بالا می‌رود و در ۱۵ سالگی، زیر فشار اجتماعی فزاینده برای وابسته ساختن اجتماعی زنان به اوج خود می‌رسد.

همچنین پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که نتیجه تست‌های عمومی هوش برای کودکان همسن، با توجه به جنس کودک دچار تغییر و تحولاتی می‌شود. دختر بچه‌های آمریکایی در دوره پیش از دبستان، از آن جا که به تمامی تابع کلیشه فرودستی زنان نشده‌اند، در تست‌های عمومی هوش، نتیجه‌ای بهتر از پسرها به دست می‌آورند. اما اگر همین بچه‌ها را طی سال‌های مدرسه زیر نظر بگیریم، درمی‌یابیم که پیشرفت پسرها سریع‌تر از دخترهاست و به هنگام ورود به دبیرستان، موفقیت پسرها در تست‌های عمومی هوش بیشتر از دخترهاست [26:199-...].

تمایلات حرفه‌ای کودکان پسر و دختر آمریکایی از همان دوره آمادگی و در دبستان، براساس کلیشه‌های تبیض آمیز مردانه و زنانه شکل می‌گیرد. به علاوه، این کلیشه‌ها به کاهش سطح خلاقیت دختران و به گسترش هرچه زودتر ترس از موفقیت در میان آنان یاری می‌رسانند. اما این رشته سر دراز دارد؛ این سده‌های روانی - اجتماعی که از رهگذر کلیشه‌های جنسی به دختران تحمیل شده‌اند و کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان نیز بر نفوذشان می‌افزایند، در پی نوعی تأثیر واکنشی، دختران را به احساس حقارت و دست کم شمردن خود می‌کشانند [27:150]. سپس مانند یک دور باطل، این احساس حقارت جز به افزایش ترس از موفقیت و کاهش کامیابی‌های درخشان فکری در بعضی از عرصه‌ها نمی‌انجامد.

پی بردن به نقش مدرسه در شکل‌گیری احساس حقارت در میان دختران دانش‌آموز آمریکایی و نیز در تکوین ارزش‌باختگی خاص آنان، اهمیت بسیار دارد. پیشتر دیدیم که بررسی روابط آموزگاران (مرد و زن) با دانش‌آموزان (پسر و دختر) در ایالات متحده آمریکا نشان داده که

آموزگاران با پسرها بیشتر از دخترها ارتباط برقرار می‌کنند (این ارتباط شکل‌های مختلف دارد: سرزنش، ستایش یا طرح پرسش) و دخترها، برعکس، غالباً با تذکرات تحقیرآمیز روبه‌رو می‌شوند. نتیجه چنین رفتاری آن است که پسران که بسیار بیشتر از دختران در مباحثات کلاس شرکت می‌ورزند، پرسش‌های بیشتری مطرح می‌سازند و آموزگاران نیز به آنان بیشتر توجه می‌کنند و بدین ترتیب به صورت جنس مهم و برتر در نظر گرفته می‌شوند، حال آن‌که در میان دختران، احساس فرودستی آنان پرورش داده می‌شود. تجربه‌ای که تارنس در یک کلاس دبستان انجام داد، درستی این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کند: در جریان این تجربه با وجودی که دانش‌آموزان دختر در کار با اسباب‌بازی‌های علمی، مهارتی بیش از پسرها نشان دادند، در پایان شاگردان هر دو جنس، به رغم واقعیت امر، اعلام کردند که نتیجه پسرها بهتر بوده است [27:151].

ماری - ژوشومبار دولوو همین احساس ارزشباختگی را در ذهن دختران در فرانسه نشان داده است. او از دانش‌آموزان ۸ و ۹ ساله می‌پرسد که کدام شخصیت‌های همسن خود را که در کتاب‌ها و رسانه‌های گروهی معرفی شده‌اند، برتر می‌شمارند؟ در پاسخ درمی‌یابد که بیشتر آنان، پسر بچه‌ها را ترجیح می‌دهند: فقط ۱۵٪ از پسرها، شخصیت‌های دختر را برمی‌گزینند، در حالی که اشخاص برگزیده ۴۵٪ از دخترها، پسر هستند. از سوی دیگر «۹۵٪ از پسران آرزو دارند که به یکی از شخصیت‌های پسر بدل شوند... و یک سوم از دختران نیز می‌پندارند که به قهرمانان پسر بدل خواهند شد» [14:23-24].

بنابراین در فرانسه نیز مانند ایالات متحده آمریکا، نقش مردانه آشکارا برتر جلوه می‌کند، اما نقش شخصیت زنانه فروتر شمرده می‌شود.



این امر پسران را برمی‌انگیزد که خود را در نقش‌های مردانه کلیشه‌ای و خشک محبوس سازند و دختران را وامی‌دارد که تمایلی به همانندی با شخصیت‌های مؤنث نداشته باشند و کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان و رسانه‌های گروهی نیز شخصیت‌های زنانه را به صورت افرادی مضحک، فرعی، زیر دست، بی‌بهره از هرگونه ارزش اجتماعی یا شغلی معرفی می‌کنند.

دختران تحت تأثیر کلیشه‌های تبعیض جنسی احساس می‌کنند که نمی‌توانند در رشته‌های علمی به موفقیت دست یابند. در بسیاری از کشورها پدر و مادرها و آموزگاران غالباً دختران را از رفتن به رشته‌های علمی منع می‌کنند تا پسران را در این رشته‌ها جای دهند. در واقع بچه‌ها برای موفقیت در این عرصه باید به داشتن استقلال و ابتکار تشویق شده باشند. اما بیشتر اوقات دختران برخلاف پسران، در زندگی روزانه یا در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان با چنین تشویق‌هایی روبه‌رو نمی‌شوند. در حالی که در حقیقت «پیشرفت فکری دختران هنگامی تسریع می‌شود که آنان اعتماد به نفس دارند و پویا هستند و احساس می‌کنند که سررشته کارها و رویدادهای مؤثر بر زندگیشان را خود در دست دارند» [28:132].

همان‌گونه که «کمیسیون جامعه اروپا» خاطر نشان می‌سازد، تردیدهای دختران در دنبال کردن علوم را «برتری مداوم معلمان مرد در درس‌های علمی "حتی در دبستان" و برتری معلمان زن در درس‌های ادبیات» تقویت می‌کند، زیرا که «پسران و دختران در گزینش‌های درسی خود از همانند دانستن خویش با آموزگاران‌شان در درس‌های مختلف تأثیر می‌پذیرند» [22].

در تحقیقی که دربارهٔ زامبیا صورت گرفته، پیامدهای آموزش تبعیض آمیز در مدرسه، ذکر شده است: «کتاب‌هایی که به اشخاص مذکر برتری می‌دهند، تصویری کاذب را از زن منتقل می‌سازند، تصویری که بیشتر وقت‌ها صفاتی را که عموماً منفی و بد شمرده می‌شوند، مجسم می‌سازد. از این لحاظ می‌توان گفت که آموزش رایج به ضرر زنان است، زیرا که آنان را همواره ناچیز و فرودست نشان می‌دهد و کودکان را وامی‌دارد که پسران را برتر از دختران بدانند» [20:12].

تحلیل‌های پیشگفته این اندیشه را به ذهن راه می‌دهند که اگر بخواهیم تبعیض جنسی را در کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی از بین ببریم تا امکان شکوفایی همه جانبهٔ استعدادها و هردو جنس فراهم آید، باید نه فقط در عرصهٔ کتاب بلکه در تمام دیگر بخش‌های نظام آموزشی نیز به روشنگری در باب تبعیض جنسی و پیکار عملی با آن پردازیم.

## تصویرهایی از کلیشه‌های تبعیض آمیز و

### تبعیض ستیز

باید کلیشه‌هایی را که مردان و زنان را محبوس نقش‌هایی می‌سازد که بر مبنای جنسیت تعیین شده‌اند، دور بریزیم. تصویرهای صفحات بعد که به دو دسته تبعیض آمیز و تبعیض ستیز تقسیم شده‌اند از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان گرفته شده‌اند. هدف ما از این کار، جلب توجه کلیه خوانندگان و به ویژه آموزگاران به مسئله تبعیض جنسی است.



## کلیشه‌های تبعیض جنسی در بازی‌های کودکان

از همان آغاز کودکی ... جدایی و تبعیض بر مبنای جنسیت آغاز می‌شود.



دختر با عروسک، و پسر با مکعب‌های هوش، بازی می‌کند.

\*\*\*\*\*



پسران و دختران جداگانه، بازی‌های متفاوت می‌کنند.

\*\*\*\*\*



4

دختر با پای پیاده راه می‌رود.

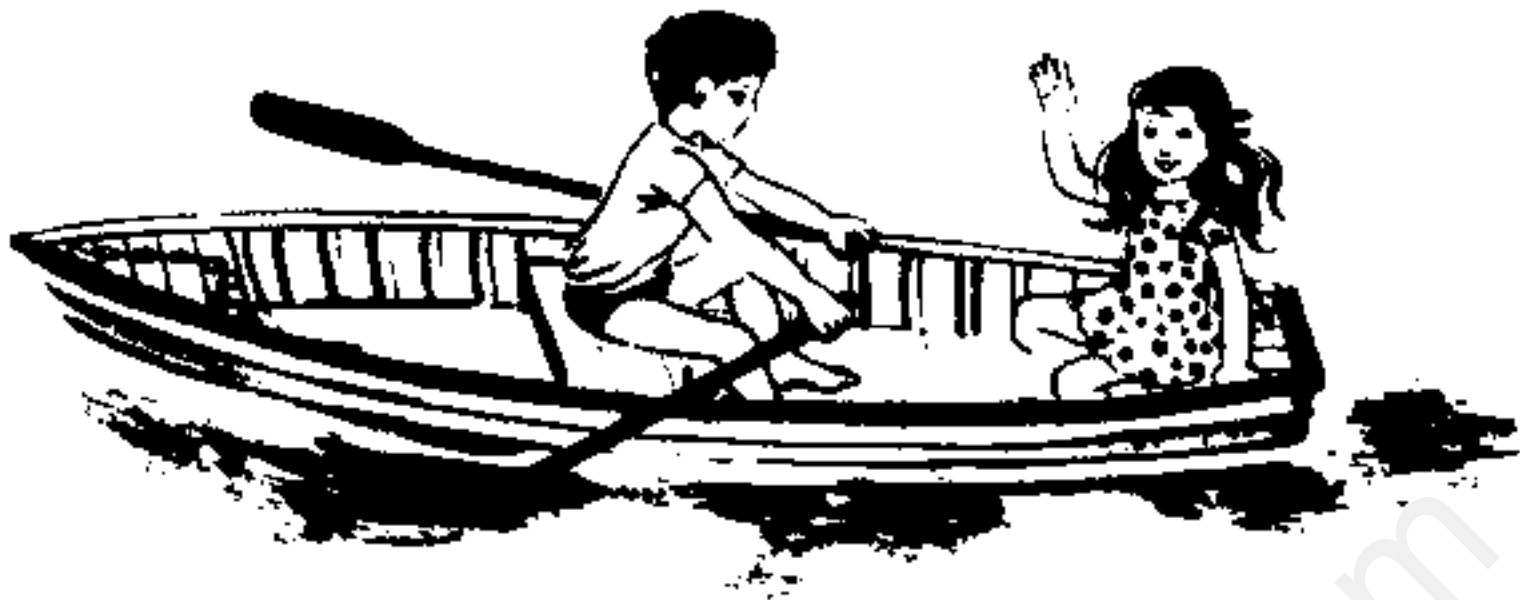
\*\*\*\*\*



5

پسر سوار دوچرخه است.

\*\*\*\*\*



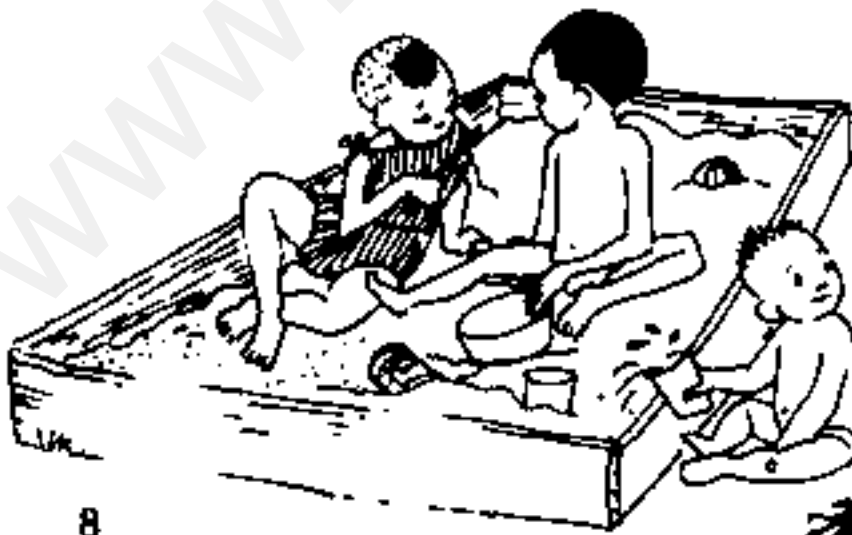
پسر پارو می زند،  
دختر تماشا می کند.

\*\*\*\*\*

پیش به سوی برابری جنسی



7



8



دختران و پسران با هم بازی می کنند.

\*\*\*\*\*



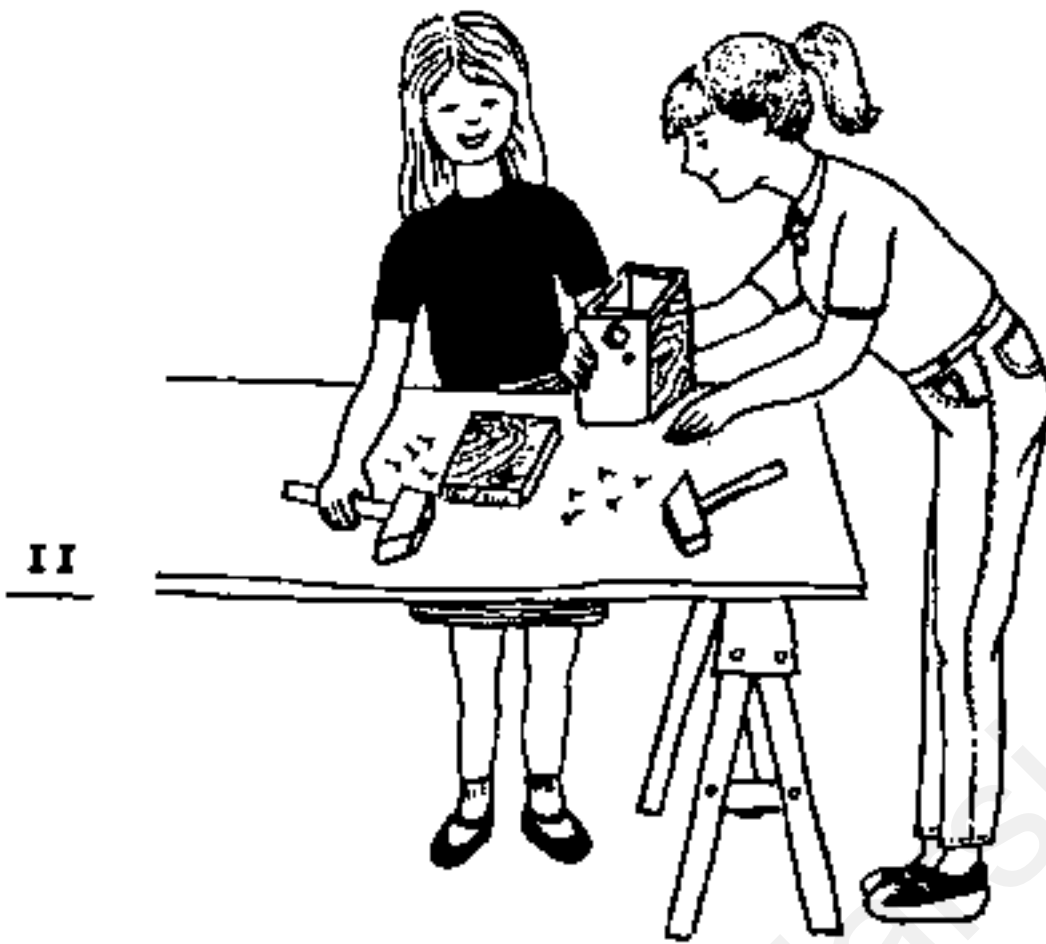
دختران و پسران در یک گروه واحد موسیقی می نوازند.

\*\*\*\*\*



دختر و پسر هر دو خیاطی می کنند.

\*\*\*\*\*



II

دختران به تعمیرکاری مشغول هستند.

\*\*\*\*\*

کلیشه‌ها

کارهای خانگی

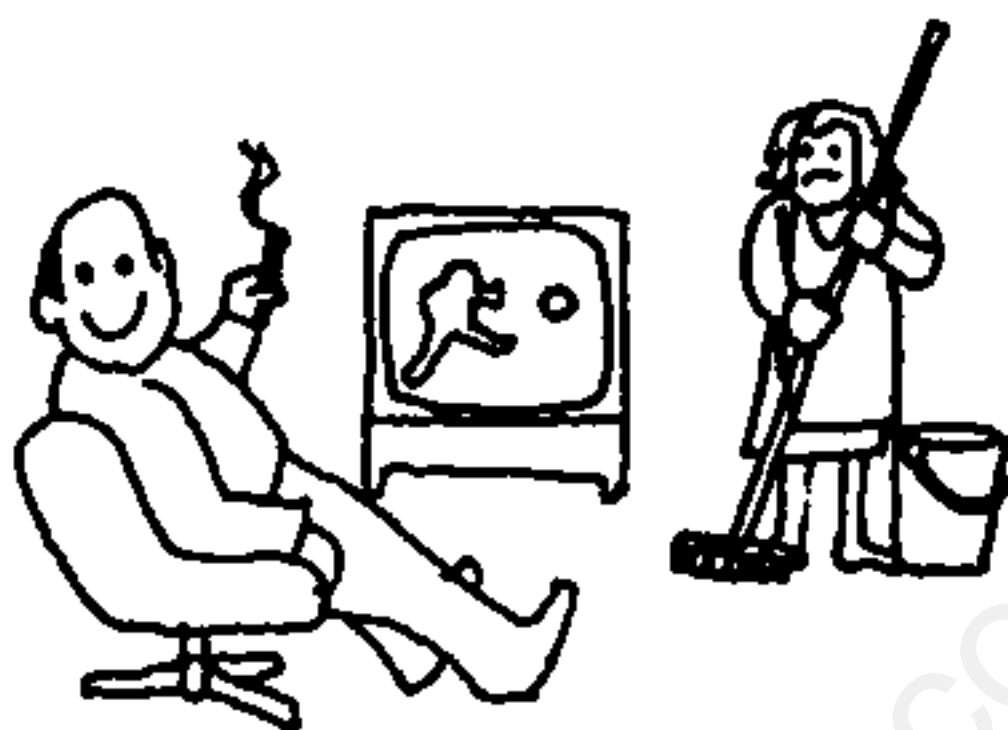
فقط مادران و دختران به کارهای خانگی می‌پردازند.



12

دختر باید برود آب بیاورد.





13

وقتی که پدر در تلویزیون فوتبال نگاه می کند، مادر جارو می زند.

\*\*\*\*\*

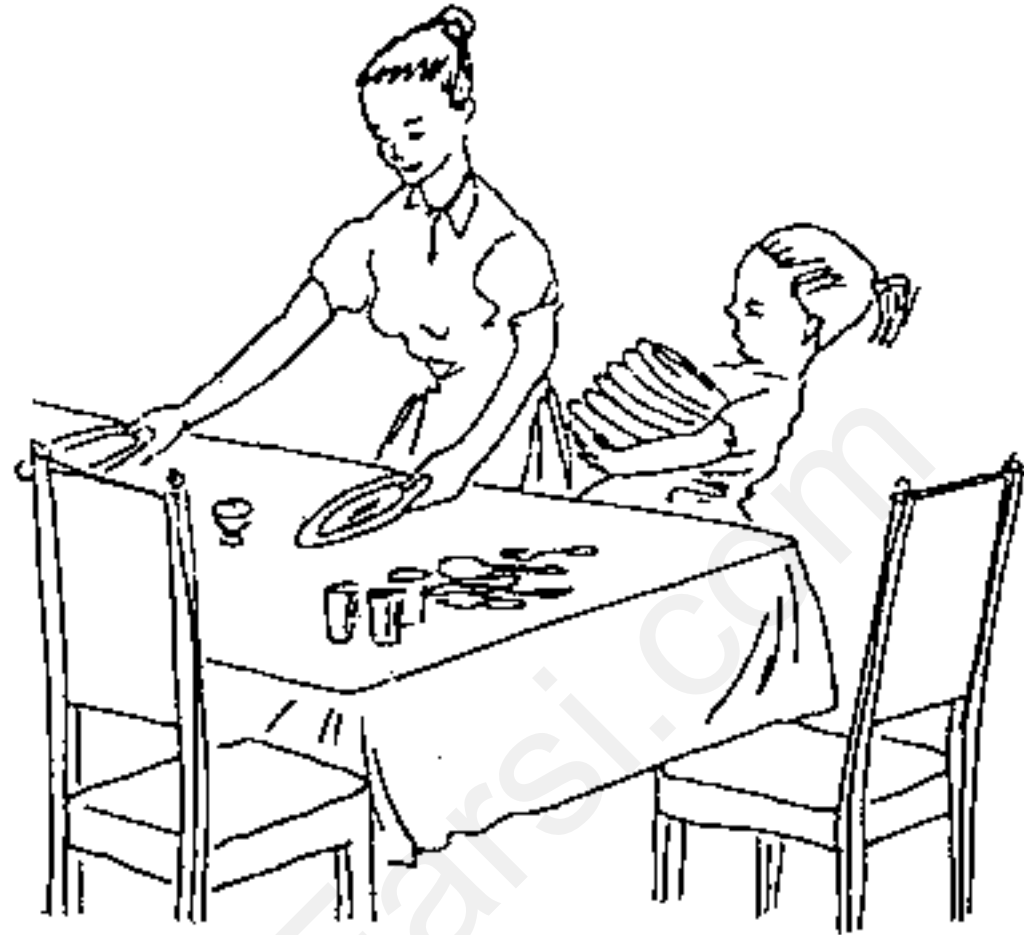


14

مادر غذا را آماده می کند،

پدر انتظار می کشد.

\*\*\*\*\*



15

مادر و دختر سفره را می چینند.

\*\*\*\*\*



16

دختر است که غذا را سر میز می آورد.

\*\*\*\*\*

### پیش به سوی برابری جنسی

افراد هر دو جنس از کوچک تا بزرگ، در کارهای خانگی شرکت

می‌ورزند.



17



18

پدر همراه با دختر سفره را می‌چیند.



19

پسر خانه را تمیز می‌کند.

20





21

پسر و دختر غذا را آماده می کنند.

\*\*\*\*\*

کلیشه ها

در خانه

هرکسی در خانه، با توجه به جنسیت خود، نقشی پیشاپیش تعیین شده

دارد.



22

پدر روزنامه می خواند، مادر بافتنی می بافت.



پدر برای پسرها کتاب می خواند، مادر وصله می زند، دختر عروسک بازی می کند.

\*\*\*\*\*

پیش به سوی برابری جنسی

کارها و سرگرمی ها در درون خانواده بی هیچ تبعیضی تقسیم شده اند.



پدر برای دخترش کتاب می خواند، مادر برای پسرش کتاب می خواند.



24



25

پدر و مادر با هم به فرزندانشان رسیدگی می کنند.